

The Effect of Financial Inclusion Disclosure on Bank Performance: The Moderating role of Market Competition and Ownership Structure

Meysam Kaviani¹ | Fakhreddin Fakhrosseini²

3



Vol. 4
Autumn 2023

Research Paper

Received:
18 March 2023
Revised:
11 May 2023
Accepted:
12 May 2023
Published:
25 October 2023

P.P: 107-131

ISSN: 2717-1809
E-ISSN: 2717-199x



DOR: 20.1001.1.27171809.1402.4.3.4.8

1. Corresponding Author: Assistant Professor of Finance Department of Management and Accounting, Karaj Branch, Islamic Azad University, Karaj, Iran. meysam.kaviani@Kiau.ac.ir

2. Associate Professor, Department of Accounting, Management and Accounting faculty, Islamic Azad University Tonekabon Branch, Tonekabon, Iran.

This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution Non-Commercial (CC-BY-NC) license.





سال چهارم
پاییز ۱۴۰۲

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:

۱۴۰۱/۱۲/۲۷

تاریخ بازنگری:

۱۴۰۲/۰۲/۲۱

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۲/۰۲/۲۲

تاریخ انتشار:

۱۴۰۲/۰۸/۰۳

صص: ۱۳۱-۱۰۷

شاپا چاپی: ۱۸۰۹-۲۷۱۷
الکترونیکی: x: ۱۹۹-۲۷۱۷



تأثیر افشای فراگیر مالی بر عملکرد بانکها: نقش تعدیلی رقابت بازار و ساختار مالکیت

سید فخرالدین فخرحسینی^۱ | میثم کاویانی^۲

چکیده

پژوهش های اخیر بیانگر آن است که هرچه فراگیر مالی (شمولیت مالی) بیشتر باشد به رشد اقتصادی و توسعه مالی منتج می شود. به همین دلیل در عصر کنونی همواره یکی از اهداف و مقاصد سیاست گذاران و به طور ویژه سیاست گذاران پولی بحث توسعه فراگیر مالی در بانکها است که مورد بحث و تأکید زیادی واقع شده است. با این حال این پژوهش نیز قصد دارد تا به بررسی رابطه بین افشای فراگیر مالی^۳ و عملکرد بانکها با تأکید بر نقش تعدیلی رقابت بازار و ساختار مالکیت بپردازد. روش پژوهش کاربردی و داده های آن به روش کتابخانه ای استخراج شده است. برای بررسی هدف اصلی پژوهش سه فرضیه تدوین گردید. قلمرو مکانی پژوهش، کلیه بانکهای پذیرفته شده در بازار سرمایه تهران و قلمرو زمانی نیز از سال ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۹ است. تعداد نمونه پژوهش ۱۵ بانک بوده که از طریق روش غربالگری یا حذف سیستماتیک تعیین شده است. جهت تجزیه و تحلیل داده ها از نرم افزار ایویوز و از طریق رگرسیون چندگانه خطی استفاده شده است. نتایج نشان می دهد که افشای فراگیر مالی بر عملکرد بانکهای تأثیر مثبت و معناداری دارد و رقابت بازار می تواند نقش تعدیلی در رابطه این دو متغیر ایفا کند. همچنین نتایج نشان داد که مالکیت دولتی بر رابطه بین افشای فراگیر مالی و عملکرد بانک تأثیر معناداری ندارد. این نتایج از آن جهت می تواند مفید واقع شود که افشا فراگیر مالی بر تصمیمات سرمایه گذاری در سهام بانکها دارای اهمیت و ارزش بوده و مورد توجه سرمایه گذاران می تواند قرار گیرد و می توان ادعا کرد که سهامداران در کنار اطلاعات مالی، بر افشای اطلاعات غیر مالی برگرفته از فراگیر مالی جهت سرمایه گذاری نیز تمرکز می نمایند.

کلیدواژه ها: فراگیر مالی، عملکرد، رقابت بازار، ساختار مالکیت

DOR: 20.1001.1.27171809.1402.4.3.4.8

۱. نویسنده مسئول: دانشیار گروه حسابداری، واحد تنکابن، دانشگاه آزاد اسلامی، تنکابن، ایران.

۲. استادیار گروه مالی، دانشکده مدیریت و حسابداری، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران.

meysam.kaviani@Kiau.ac.ir

این مقاله یک مقاله با دسترسی آزاد است که تحت شرایط و ضوابط مجوز (CC BY-NC) Creative Commons Attribution Non-

Commercial

توزیع شده است.



مقدمه

امروزه یافتن یک مدل خدمات مالی نوآورانه برای فقرا ضمن اینکه یک چالش فوری محسوب می‌شود، بر این استدلال استوار است که فقر یک شکاف پولی و شکاف در دسترسی به ابزارهای مالی است که می‌تواند زندگی را بهبود بخشد. این محدودیت مالی می‌تواند رشد اقتصادی را کاهش دهد و نابرابری اقتصادی را تشدید کند (ویدارواتی^۱ و همکاران، ۲۰۲۲). گروه بیست (گروه ۲۰) اقتصاد بزرگ گروهی متشکل از وزرای اقتصاد (دارایی) و مسئولان بانک‌های مرکزی بیست اقتصاد برتر دنیا و بانک جهانی در تلاش برای کاهش سطح فقر در کشورهای در حال توسعه از طریق افزایش فراگیر مالی هستند (اوزیلی^۲، ۲۰۱۸). فراگیر مالی به عنوان سیاست مرکزی دولت در بسیاری از کشورهای در حال توسعه و نوظهور بوده است. ساهای و همکاران^۳ (۲۰۱۵) بیان می‌کند که فراگیر مالی استفاده و دسترسی به خدمات مالی قانونی باعث دسترسی جمعیت محروم به محصولات و خدمات مالی می‌شود. انتظار می‌رود فراگیر مالی فقر را کاهش و شکاف اقتصادی یک کشور را به حداقل برساند. فراگیر مالی باعث ایجاد تولید ناخالص داخلی می‌شود. سیستم مالی با مدیریت، کارآمد و فراگیر مالی افراد را بهبود می‌بخشد، تسهیلاتی را برای مبادله کالا و خدمات فراهم می‌کند و از شوک‌های اقتصادی محافظت می‌کند. فراگیر مالی کماکان برای بسیاری از کشورهایی که نوآوری موسسات مالی را هدایت می‌کنند، موضوعی مرتبط است و توسعه فناورانه منجر به یک تجدید تصور اساسی از فرآیند و سرمایه تجاری در صنعت خدمات مالی می‌شود (گروه بانک جهانی، ۲۰۱۶).

از آنجایی که در سیستم بانکداری ایران، وزیر امور اقتصادی و دارایی دولت سیزدهم طی سخنانی اخیراً در "سی و یکمین همایش سالانه بانکداری اسلامی" به آماده شدن سند ملی "فراگیر مالی" در وزارت اقتصاد اشاره داشتند و معتقد بودند که تصویب و اجرای این سند، دسترسی به منابع مالی و بانکی برای عموم مردم تسهیل و توزیع منابع در نظام بانکی عادلانه تر خواهد شد. با نگاهی به اجرای این مهم می‌توان به نقل و قول مدیر کل مقررات بانک مرکزی در بهمن ماه

1 Widarwati et al

2 Ozili

3 Sahay et al

4 World Bank Group

5 <http://iraninsurance.ir>

۱۴۰۰ اشاره داشت که بر عملیاتی شدن طرح فراگیر مالی بانک مرکزی از ابتدای سال آینده خبر داد.^۱ همچنین طبق گزارش های بدست آمده در کشورمان، فراگیر مالی پست بانک به ۵۴ درصد افزایش پیدا کرده است و این امر زمینه اهمیت پژوهش کنونی را نشان می دهد.

با توجه به مفاهیم فوق استدلال می شود که فراگیر مالی به توسعه اقتصادی یک کشور کمک کرده (الن و همکاران، ۲۰۱۶؛ بانک جهانی، ۲۰۱۴) و تخصیص کارآمد منابع تولیدی را تضمین می کند؛ بدین وسیله هزینه های سرمایه را کاهش می دهد (سارما و پائس،^۲ ۲۰۱۱). تعدادی از بانک های مرکزی موجود در کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته از طریق به کارگیری بخش های بانکی برای ترویج فراگیر مالی در کشورشان توانستند یک سری ابتکارات را ارائه دهند (بانک جهانی، ۲۰۱۴). بنابراین شرکت های بانکداری مقدار قابل توجهی از منابع را در اطلاعات غیرمالی به کار گرفتند و این اطلاعات را به ذی نفعان مختلف اعم از قانونگذاران دولتی مرتبط ساختند. اگرچه که افشای فراگیر مالی را به عنوان بخشی از مسئولیت پذیری اجتماعی شرکت^۳ (CSR) تلقی می شود (اکلس و سرافیم،^۴ ۲۰۱۳؛ کمیسیون اروپا، ۲۰۰۱، ۲۰۰۸)؛ اما به عنوان نوعی افشای غیرمالی جدید تلقی می گردد که اثرات مستقیمی را بر روی عملکرد بازار شرکت دارد. بدین دلیل که یک کمیته ی فراگیر مالی وجود دارد که شامل فراهم آوری تسهیلات اعتباری / سرمایه گذاری در جمعیت بدون بانک^۵ می باشد و حتی در صورت عدم تطابق با استراتژی کسب و کار شرکت، می تواند این عوامل را بواسطه ی نرخ بهره ی کاهش یافته بوجود می آورد. با این حال بر اساس دیدگاه های مبتنی بر منابع می توان گفت که سرمایه گذاری شرکت جهت حفظ روابط مؤثر ذی نفعان که به واسطه ی اطلاعات غیرمالی صورت می گیرد، باید منجر به بهبود عملکرد گردد (چوی و وانگ،^۶ ۲۰۰۹). به علاوه، حرفه حسابداری نقش مهمی در افشا اطلاعات غیرمالی

1 <https://ahamiran.com>

2 Sarma and Pais

3 Corporate Social Responsibility

4 Eccles And Serafeim

5 unbanked population

جمعیت بدون بانک افراد بزرگسالانی هستند که حساب بانکی شخصی ندارند. آنها ممکن است به خدمات مالی جایگزین برای نیازهای مالی خود، در صورت موجود بودن اعتماد کنند.

6 Choi And Wang

دارد و به عنوان حرفه‌ای محسوب می‌گردد که مسئول سنجش و افشای این اطلاعات است (هوآنگ و واتسن^۱، ۲۰۱۵).

افشای فراگیر مالی نباید فقط به عنوان فعالیت‌های اجتماعی باشد، بلکه باید ابزار استراتژیک محسوب گردد که عملکرد کلی را بهبود می‌دهد. این امر که آیا مشارکت شرکت‌ها در این فعالیت‌ها تأثیری بر روی عملکرد آنان دارد کماکان در کشورهای در حال توسعه یا توسعه یافته درک نشده است. این نکات ما را برای ارزیابی اثرات اطلاعات غیرمالی بر عملکرد بر می‌انگیزاند. همچنین، شرکت‌هایی که در صنعت‌های رقابتی به فعالیت می‌پردازند، به طور مستمر مجبور شدند تا از رقبا خود بهتر عمل کنند (سان و استیوب^۲، ۲۰۱۳). شرکت‌هایی با سطح بالاتری از مالکیت دولتی ممکن است بر اطلاعات غیرمالی و افشای اثر بگذارند (بانک جهانی، ۲۰۱۴). با در نظر گیری این نکات می‌توانیم نقش مؤثر رقابت بازار و مالکیت دولت را در روابط موجود بین عملکرد بانک و فراگیر مالی را بسنجیم. شرکت‌های بانکداری با سطح بالاتری از اطلاعات غیرمالی، تمایل بیشتری برای بهبود عملکرد دارند. به بیان دیگر، شرکت‌های بانکداری که فراگیر مالی را انجام می‌دهند، می‌توانند عملکرد شرکت را بهبود ببخشند. رابطه‌ی بین افشا فراگیر مالی و عملکرد شرکت، توسط رقابت بازار و مالکیت دولتی مورد تعدیل قرار می‌گیرد (باس و همکاران^۳، ۲۰۱۷).

با مروری به پژوهش‌های داخلی با اینکه افشای فراگیر مالی در طبقه افشای اطلاعات غیرمالی است، لذا پژوهشی در کشور در این خصوص انجام نشده است و فقط در یک مورد پژوهشی تحت عنوان بررسی نقش فراگیر مالی و سواد مالی بر ارزش درک شده از سرمایه‌گذاری از دیدگاه سرمایه‌گذاران توسط میرزایی و شیرازیان (۱۳۹۸) انجام شده که آن نیز در سیستم بانکداری انجام نداده‌اند. از این رو با وجود به تاکید مفهوم فراگیر مالی در سال‌های اخیر و خلا آن در بین پژوهش‌های بخش بانکداری و حتی شرکت‌های مالی دیگر مانند بیمه، پژوهش حاضر قصد دارد با در نظر گرفتن نقش تعدیلی رقابت بازار و ساختار مالکیت به دنبال پاسخ این سوال است که آیا بین افشای فراگیر مالی و عملکرد بانک‌ها رابطه معناداری وجود دارد؟

1 Huang And Watson

2 Sun And Stuebs

3 Bose et al

مبانی و ادبیات نظری

فراگیر مالی

به گفته انگو^۱ (۲۰۱۹) مفهوم فراگیر مالی برای اولین بار توسط لیشون و دریفت^۲ (۱۹۹۶) ظاهر شد، اما به خوبی بیان نشده بود. بنابراین به جای آن از کلمه در مقابل محرومیت مالی^۳ استفاده شد. فرآیندی که گروهی از افراد قادر به ورود به سیستم مالی نیستند، محرومیت مالی نامیده می شود. با این حال، در مورد معنای فراگیر مالی نیز بحث های زیادی وجود دارد. ساراسواتی و همکاران^۴ (۲۰۲۰)، فراگیر مالی را به عنوان تمامی تلاش ها برای ارتقای دسترسی عمومی به خدمات مالی با حذف موانع قیمتی و غیرقیمتی تعریف می شود. اتحادیه فراگیر مالی^۵ اظهار داشته که فراگیر مالی باید در چهار شاخص یعنی دسترسی، استفاده، کیفیت و رفاه متمرکز شود. مطابق تعریف ارائه شده توسط این مؤسسه، دسترسی به این موارد، نشانگر امکان دستیابی به خدمات مالی و محصولات از مؤسسات رسمی را نشان می دهد (سموعی، ۱۳۹۹). به گفته بار و همکاران^۶ (۲۰۰۷)، سیستم فراگیر مالی با توسعه دسترسی به تسهیلات مالی برای افراد یا کسب و کارها و همچنین پس انداز، تخصیص اعتبار و مدیریت ریسک مرتبط است، که همگی ممکن است سیستم مالی را تعمیق و گسترش دهند. با توجه به جامع ترین مطالعه مانند میشکین (۲۰۰۷) واسطه گری مالی انجام شده از طریق ایجاد شعب بانک ها یا ارائه چنین تسهیلاتی امکان دسترسی به مجموعه محصولات مالی مختلف مناسب برای افراد یا گروه ها یا گروه های روستایی را فراهم می کند. طبق پژوهش های کومار و میشر^۷ (۲۰۱۱) و بونگومین و همکاران^۸ (۲۰۱۷)، ساختارهای مؤسسه مالی مانند دفاتر مرکزی و دفاتر شعب می توانند خدمات مالی را به ویژه برای گروه های روستایی افزایش دهند. مؤسسات مالی می توانند توزیع کالاهای مالی را با کارایی بیشتری با دفاتر متعدد تسهیل کنند که این امر بر کارایی سیاست پولی تأثیر می گذارد. در نتیجه، ممکن است گفته شود دسترسی سریع باعث افزایش مشارکت مالی می شود.

1 Ngo

2 Leyshon and Thrift

3 Financial exclusion

4 Saraswati et al

5 Alliance for Financial Inclusion

6 Barr et al

7 Kumar and Mishra

8 Bongomin et al

افشای فراگیر مالی و عملکرد

نظریه ذی‌نفعان توضیح می‌دهد که چگونه سازمان‌ها به خواسته‌های ذی‌نفعان خود برای به دست آوردن مزیت رقابتی و بقا در جامعه پاسخ می‌دهند (هیل و جونز^۱، ۱۹۹۲). بانک‌ها معمولاً خدماتی را به افراد ارائه می‌دهند که توانایی مالی دارند. بنابراین، جمعیت بدون‌بانک به محصولات و خدمات بانکی دسترسی ندارند. این یک مشکل اجتماعی ایجاد می‌کند. علاوه بر این، خدمات‌رسانی به این گروه از افراد می‌تواند برای بانک‌ها هزینه‌بر باشد. با این حال، تقاضای جمعیت بدون بانک برای این محصولات و خدمات، این گروه را به عنوان مشتریان بالقوه و یک گروه سهامدار مهم دسته‌بندی می‌کند. فریمن^۲ (۲۰۱۰) ذینفع را هر گروه یا فردی تعریف می‌کند که می‌تواند بر دستیابی به اهداف شرکت تأثیر بگذارد یا تحت تأثیر قرار گیرد. جمعیت بدون بانک می‌تواند به طور قابل توجهی تحت تأثیر محصولات و خدمات ارائه شده توسط بانک‌ها قرار گیرد. به عنوان مثال، اگر کشاورزی قادر به دریافت تسهیلات وام کم بهره باشد، احتمالاً علاقه‌مند است که برای سرمایه‌گذاری در کسب و کار خود پول قرض نماید.

افزایش آگاهی از فعالیت‌های فراگیر مالی در سراسر جهان منجر به افزایش تقاضا از سوی سهامداران، از جمله سازمان‌های بین‌المللی و قانونگذاران دولتی، از شرکت‌ها برای ارائه اطلاعات بیشتر در مورد فعالیت‌های فعلی و آینده خود شده است.

با این حال، تا به امروز، اطلاعات بسیار کمی در مورد مشارکت شرکت‌ها در فعالیت‌های فراگیر مالی، افشای این فعالیت‌ها و تأثیر این افشاها بر عملکرد شرکت‌ها وجود دارد. مفهوم فعالیت‌های فراگیر مالی تحت تعریف گسترده فعالیت‌های مرتبط با CSR قرار می‌گیرد مفهوم فعالیت‌های فراگیر مالی تحت تعریف گسترده فعالیت‌های مرتبط با CSR قرار می‌گیرد (کمیسیون اروپا^۳، ۲۰۰۱؛ اکلس و سرافیم، ۲۰۱۳). بسیاری از مطالعات در ادبیات حسابداری رابطه بین افشای CSR و عملکرد اقتصادی همزمان را بررسی کرده‌اند (سها و بوز^۴، ۲۰۱۷).

همچنین قانونگذاران دولتی مشارکت بخش خصوصی را در حمایت از فراگیر مالی ترویج می‌کنند، زیرا این امر میزان بار دولتی را کاهش می‌دهد. بنابراین، شرکت‌ها می‌توانند از

1 Hill and Jones

2 Freeman

3 European Commission

4 Saha and Bose

فعالیت‌های فراگیر مالی به‌عنوان یک حرکت استراتژیک برای دستیابی به مشروعیت سیاسی-اجتماعی استفاده کنند، که این امر زمانی تحقق می‌یابد که دولت یا عموم مردم، از جمله سهامداران قدرتمند، تشخیص دهند که یک شرکت به درستی و بر اساس هنجارها و قوانین موجود عمل می‌کند. بنابراین، شرکت‌ها می‌توانند از فعالیت‌های فراگیر مالی به‌عنوان یک حرکت استراتژیک برای دستیابی به مشروعیت سیاسی-اجتماعی استفاده کنند، که این امر زمانی تحقق می‌یابد که دولت یا عموم مردم، از جمله سهامداران قدرتمند، تشخیص دهند که یک شرکت به درستی و بر اساس هنجارها و قوانین موجود عمل می‌کند (وانگ و کیان^۱، ۲۰۱۱).

افشای فراگیر مالی، عملکرد و رقابت بازار

وجود رابطه بین افشای فراگیر مالی و عملکرد شرکت می‌تواند تحت تأثیر شرایط احتمالی مختلف قرار گیرد. مطالعات استدلال کرده‌اند که رابطه بین فعالیت‌های اجتماعی یک شرکت و عملکرد آن ممکن است در نتیجه زمینه خاص صنعت (به‌عنوان مثال، رقابت بازار) تحت تأثیر قرار گیرد. پژوهش‌های اخیر نشان داده است که در یک صنعت رقابتی، سطح پایین‌تر مشارکت در برنامه‌های فعالیت اجتماعی، مانند طرح‌های مشارکت مالی، نسبت به رقبا و یا صنعت، تأثیر منفی بر عملکرد شرکت دارد (سان و استوبس^۲، ۲۰۱۳). این دیدگاه با نظریه سهامداران سازگار است. همان‌طوری که برای موفقیت و مقابله با چالش‌های رقابتی خارجی، شرکت‌ها باید بر نیازهای ذی‌نفعان قدرتمند و همچنین سایر ذی‌نفعان تمرکز کنند، مشارکت یک شرکت بانکی در بسیاری از فعالیت‌های اجتماعی برای دستیابی به فراگیر مالی و افشای این فعالیت‌ها، راه مؤثری برای مدیران شرکت برای بهبود مشارکت جامعه، تصویر، پیشبرد و برندسازی خدمات بانکی است (پورتر و کرامر^۳، ۲۰۰۶). علاوه بر این، زمانی که شرکت‌ها با فضای رقابت سخت بازار مواجه می‌شوند، تمایل دارند تا ارزش سهامداران را با شرکت در فعالیت‌های اجتماعی به حداکثر برسانند تا از طریق پیام دادن به بازار که نه تنها از ارزش سهامداران مراقبت می‌کنند، مزیت رقابتی کسب کنند. رفاه جامعه با توجه به اینکه همه شرکت‌ها در یک صنعت در فعالیت‌های فراگیر مالی

1 Wang and Qian

2 Sun and Stuebs

3 Porter and Kramer

شرکت نمی‌کنند، این فعالیت‌ها نه تنها به عنوان سازوکاری برای افشای توجه شرکت‌ها به جامعه به ذی‌نفعان خارجی عمل می‌کنند، بلکه شرکت‌ها را قادر می‌سازند تا موقعیت بهتری نسبت به رقبای خود داشته باشد (پورتر و کرامر، ۲۰۱۱). از آنجایی که مدیران ارشد نهایتاً مسئولیت ارزیابی تأثیر فعالیت‌های اجتماعی شرکت‌ها بر سود نهایی هستند (کارول و شبانا، ۲۰۱۰)، بنابراین، در یک محیط تجاری به شدت رقابتی، تصمیم‌گیرندگان اساساً یک مورد تجاری ایجاد می‌کنند که مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی با هدف عملکرد اجتماعی بلندمدت شرکت سازگار است که نتایج مالی پایدار و محکم را برای سهامداران تضمین می‌کند (پورتر و کرامر، ۲۰۰۶).

افشای فراگیر مالی، عملکرد و ساختار مالکیت

شرکت‌های مرتبط با دولت در معرض دید عموم قرار دارند، زیرا فعالیت‌های آنها برای جامعه آشکارتر است. بنابراین، انتظار عمومی قوی‌تری وجود دارد که شرکت‌های مرتبط با دولت نسبت به مسئولیت‌های خود آگاه‌تر باشند (بوز و همکاران، ۲۰۱۷). هدف از ابتکارات دولت در فعالیت‌های فراگیر مالی، بهبود سطح رفاه در جامعه از طریق تضمین رشد همه‌جانبه و برنامه‌های کاهش فقر از طریق ارتقای خدمات بانکی به سطح مردمی است. شرکت‌های مرتبط با دولت فشارهایی را از سوی جامعه برای مشارکت در فعالیت‌هایی مانند فراگیر مالی تجربه می‌کنند، زیرا از طریق پیوندهایشان با دولت، نهادی که مورد اعتماد مردم است، باید خواسته‌های ذی‌نفعان و انتظارات مردم را برآورده کنند (باس و همکاران، ۲۰۱۷).

لازم به ذکر است که در مورد کشور ما انتظار می‌رود کماکان جمعیت زیادی به خدمات بانکداری دسترسی ندارند. از این رو، دولت اخیراً اقداماتی را انجام داده است تا بانک‌های تجاری پیش‌تاز خدمات فراگیر مالی باشند که در آن افراد حاشیه‌نشین و محروم در حیطه خدمات بانکی محسوب شوند. پست بانک ایران با افتتاح ۸۳ بجه بانکی روستایی به چرخه ارائه خدمات مالی و بانکی، به صورت مستقیم با رفاه اجتماعی مردم در مناطق هدف بانک ارتباط دارد و در حال حاضر ۳۵ خدمت بانکی به مردم مناطق روستایی ارائه می‌شود و ۱۶۸ هزار نفر از جمعیت روستایی به بهره‌برداران خدمات بانکی پست بانک ایران اضافه شد و فراگیر مالی پست بانک ایران در کشور را به ۵۴ درصد ارتقا داد.

در عین حال، بانک‌های مرتبط با دولت یا اینکه دولت در آنها سهام دارد، تمایل بیشتری به اتخاذ ابتکارات گسترده برای اجرای فعالیت‌های فراگیر مالی دارند، زیرا دولت علاوه بر هدف مالی خود، اهداف بانک‌ها را برای دستیابی به احیای مجدد اهداف اجتماعی احیا کرده است. بنابراین، انتظار می‌رود که شرکت‌هایی که دارای سهام دولتی هستند، از طریق مشارکت در فعالیت‌های فراگیر مالی که بر شرکت‌های خصوصی نیز تأثیر می‌گذارد، نقشی پیشگام در برآوردن آرمان‌های دولت ایفا کنند (باس و همکاران، ۲۰۱۷).

پیشینه پژوهش

عزلی و همکاران (۱۴۰۰) در پژوهشی با عنوان بررسی افشای داوطلبانه اطلاعات غیرمالی و آثار آن‌ها (با تأکید بر انطباق تئوری‌های علامت‌دهی و مشروعیت) بدین نتیجه رسیدند که افشای داوطلبانه اطلاعات غیرمالی موجب کاهش هزینه‌های نمایندگی، ریسک پیش‌رو، هزینه حقوق صاحبان سهام و هزینه بدهی و موجب تقویت نقدشوندگی سهام شرکت و ارزش بازار شرکت می‌گردند. سموعی و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهشی تحت عنوان مدل‌سازی فراگیر مالی و اثرات آستانه‌ای آن بر رشد اقتصادی کشورهای عضو اوپک (رگرسیون پانل آستانه‌ای) نشان دادند که حد آستانه‌ای فراگیر مالی ۰/۹۹ است. نتایج آزمون خطی بودن هانسن با روش بوت‌استرپ نیز معناداری حد آستانه را تأیید می‌کند. مفهوم این حد آستانه آن است که در فراگیر مالی کمتر از ۰/۹۹، افزایش فراگیر مالی اثر معنادار و منفی بر رشد اقتصادی کشورهای اوپک دارد، اما در رژیم دولت‌هایی با فراگیر مالی بزرگ‌تر، فراگیر مالی اثری مثبت بر رشد اقتصادی دولت‌ها دارد. میرزایی و شیرازیان (۱۳۹۸) در پژوهشی تحت عنوان بررسی نقش فراگیر مالی و سواد مالی بر ارزش درک شده از سرمایه‌گذاری از دیدگاه سرمایه‌گذاران بدین نتیجه رسیدند که فراگیر مالی، سواد مالی و مؤلفه‌هایشان تأثیر معناداری بر ارزش درک شده از سرمایه‌گذاری دارند. همچنین شواهدی مبنی بر تأثیرگذاری مثبت و مستقیم سواد مالی و مؤلفه‌های آن بر فراگیر مالی مشاهده شد. طاهری و همکاران (۱۳۹۸) پژوهشی تحت عنوان ارتباط ارزشی افشا و گزارشگری ریسک در بانک‌های عضو بورس اوراق بهادار تهران بدین نتیجه رسیدند که افشا ریسک با قیمت و ارزش بانک دارای رابطه مثبت و معنادار و با بازدهی بانک دارای رابطه منفی و

معناداری است و در مجموع وجود ارتباط ارزشی افشا ریسک اجباری بانک‌ها در بازار سرمایه ایران تایید می‌شود. ستایش و همکاران (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان بررسی ارتباط بین افشای داوطلبانه و عملکرد شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بدین نتیجه رسیدند که رابطه معناداری بین افشای داوطلبانه با بازده دارایی‌ها و بازده حقوق صاحبان سهام وجود ندارد؛ اما رابطه مثبت معناداری بین افشای داوطلبانه و نمرات کارایی محاسبه شده به وسیله تکنیک تحلیل پوششی داده‌ها به عنوان معیار جامع عملکرد است.

سوفیلدا و همکاران (۲۰۲۲) در پژوهشی تحت عنوان تحلیل تعیین شاخص فراگیر مالی بانکداری در اندونزی بدین نتیجه رسیدند که رشد اقتصادی، شاخص توسعه انسانی، سرانه تولید ناخالص داخلی منطقه‌ای و برندهای بانکی به‌طور معناداری بر شاخص فراگیر مالی بانکداری ترکیبی تأثیر می‌گذارند. در همین حال، رشد اقتصادی، شاخص توسعه انسانی، سرانه تولید ناخالص داخلی و تعداد شعب بانک‌ها بر شاخص فراگیر مالی بانکداری متعارف تأثیر می‌گذارد. با این حال، شاخص فراگیر مالی برای بانکداری شرعی نشان می‌دهد که فقط متغیرهای رشد اقتصادی، سرانه تولید ناخالص داخلی منطقه‌ای و تعداد شعب بانک‌های شرعی تأثیر معناداری دارند. ویدارواتی و همکاران^۱ (۲۰۲۲) در پژوهشی تحت عنوان امور مالی دیجیتال برای بهبود فراگیر مالی بانکداری اندونزی بدین نتیجه رسیدند که امور مالی دیجیتال به‌طور مثبت بر فراگیر مالی تأثیر می‌گذارد و شواهدی از نقش اندازه بانک در تأمین مالی دیجیتال و گنجاندن مالی پیدا می‌کند. این شامل استراتژی بانک‌ها برای بهینه‌سازی فراگیر مالی بر اساس ویژگی‌های آن مانند سن، سودآوری و کارایی است. این به سیاست دولتی مالی دیجیتال برای استفاده محرک از بانکداری اینترنتی و بانکداری تلفن همراه کمک می‌کند. منون^۲ (۲۰۱۹) در پژوهشی تحت عنوان فراگیر مالی، بانکداری خانوارهایی بدون حساب پس‌انداز یا جاری در هند بدین نتیجه رسید که فراگیر مالی قطعاً راهی برای دستیابی اقتصاد به رشد فراگیر است. فراگیر مالی فقط یک مفهوم اقتصادی نیست، بلکه به عنوان یک مفهوم اجتماعی-اقتصادی نامیده می‌شود، زیرا به مردم کمک می‌کند تا از طریق دسترسی به امکانات آموزشی و بهداشتی، آینده‌ای امن و استاندارد زندگی بهتر، امنیت زندگی آینده را داشته باشند. در هند می‌بینیم که موانع بر سر فراگیر عمدتاً ناشی از

1 Widarwati et al

2 Menon

محرومیت داوطلبانه است، و اگرچه سیاست‌ها به دستیابی به آن کمک می‌کنند، اما هدف نهایی فراگیر مالی تنها از طریق بهبود آگاهی و سواد مالی در هند قابل دستیابی است. بنابراین فراگیر مالی باید با سواد مالی پشتیبانی شود تا بهترین نتایج حاصل شود. بریک^۱ (۲۰۱۸) در پژوهشی تحت عنوان پول حلال: فراگیر مالی و تقاضا در بانکداری نروژ بدین نتیجه رسیدند که فقط متغیر اجتماعی-جمعیتی رابطه مشخصی با تقاضا دارد. برخلاف آنچه بریک انتظار داشت، به نظر نمی‌رسد که مسلمانان جوان‌تر و تحصیل کرده‌تر تقاضای بیشتری برای بانکداری اسلامی داشته باشند. اختر و همکاران^۲ (۲۰۱۸) در پژوهشی تحت عنوان بانکداری اسلامی و فراگیر مالی (شواهدی از بازارهای آسیایی و آفریقایی) بدین نتیجه رسیدند که بانکداری اسلامی به طور قابل توجهی به سمت تقاضای فراگیر مالی (طرف وام گیرندگان یا استفاده کنندگان از تامین مالی بانک‌ها) کمک می‌کند. این پژوهش پیامدهای سیاستی مهمی برای مقامات نظارتی کشورهای مسلمان به منظور افزایش فراگیر مالی داشته است. زامر^۳ (۲۰۱۸) در پژوهشی تحت عنوان بانکداری اسلامی رویکردی جدید برای فراگیر مالی بدین نتیجه رسیدند که کماکان شکافی بین تقاضا برای محصولات مالی که کارمزدهای ایمن، مطمئن، پایدار و معقول هستند و آنچه توسط بانک‌های اسلامی به افراد با درآمد متوسط تا پایین ارائه می‌شود، وجود دارد. وقتی بانک‌های اسلامی با اپراتورهای تلفن همراه برای ارائه خدمات شریک می‌شوند، ممکن است دو چالش (کاهش هزینه عملیات بانک، ارائه خدمات بانکداری مسئولیت‌پذیر اجتماعی) را حل کند و این به مشتریان کمک می‌کند تا بر محرومیت داوطلبانه به دلایل مذهبی غلبه کنند و توسعه اقتصادی را ارتقا دهند. باس و همکاران (۲۰۱۷) در پژوهشی تحت عنوان افشای غیر مالی و عملکرد شرکت مبتنی بر بازار در نهادهایی با فراگیر مالی بدین نتیجه رسیدند که ارتباط مثبتی بین افشای فراگیر مالی و عملکرد بانکی وجود دارد، و این رابطه توسط رقابت بازار و مالکیت دولتی تعدیل شده است. همچنین شواهدی مبنی بر اینکه فراگیر شرکتها در فعالیتهای مشارکت مالی سهم بازار خود را افزایش می‌دهد، با افشای این اطلاعات، کاهش عدم تقارن اطلاعات بین مدیران و شرکت‌های سرمایه در بازار را پیدا می‌کند. رحمان^۴ (۲۰۱۲) در پژوهشی تحت عنوان فراگیر مالی و رشد

1 Brekke

2 Akhter et al

3 Zamer

4 Raman

سیستم بانکی هند بدین نتیجه رسیدند که بانکداری اسلامی به طور قابل توجهی به سمت تقاضای فراگیر مالی (طرف وام گیرندگان یا استفاده کنندگان از تامین مالی بانک‌ها) کمک می‌کند. این پژوهش پیامدهای سیاستی مهمی برای مقامات نظارتی کشورهای مسلمان به منظور افزایش فراگیر مالی دارد.

فرضیه و مدل‌های پژوهش

فرضیه اول: بین افشای فراگیر مالی با عملکرد بانک‌ها رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

فرضیه دوم: رقابت بازار محصول رابطه بین افشای فراگیر مالی و عملکرد بانک را به طور مثبت (یا منفی) تعدیل می‌کند.

فرضیه سوم: مالکیت دولتی رابطه بین افشای فراگیر مالی و عملکرد بانک را به طور مثبت (یا منفی) تعدیل می‌کند.

مدل مورد استفاده در این پژوهش جهت تبیین رابطه بین افشای فراگیر مالی و عملکرد مبتنی بر بازار در بانک‌ها است که از پژوهش باس و همکاران (۲۰۱۷) اقتباس شده است.

مدل اول:

$$TOBINQ_{i,t+1} = \beta_0 + \beta_1 FI_{i,t} + \beta_2 SIZE_{i,t} + \beta_3 LEV_{i,t} + \beta_4 ROA_{i,t} + \beta_5 LIQUIDITY_{i,t} + \beta_6 AGE + \beta_7 AGE_{i,t} + \beta_8 RISK_{i,t} + \beta_9 GROWTH_{i,t} + \beta_{10} HHI_{i,t} + \beta_{11} GOVOEN_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

مدل دوم:

$$TOBINQ_{i,t+1} = \beta_0 + \beta_1 FI_{i,t} + \beta_2 FI_{i,t} \times HHI_{i,t} + \beta_3 SIZE_{i,t} + \beta_4 LEV_{i,t} + \beta_5 ROA_{i,t} + \beta_6 LIQUIDITY_{i,t} + \beta_7 AGE_{i,t} + \beta_8 RISK_{i,t} + \beta_9 GROWTH_{i,t} + \beta_{10} HHI_{i,t} + \beta_{11} GOVOEN_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

مدل سوم:

$$TOBINQ_{i,t+1} = \beta_0 + \beta_1 FII_{i,t} + \beta_2 FI_{i,t} \times GOVOEN_{i,t} + \beta_3 SIZE_{i,t} + \beta_4 LEV_{i,t} + \beta_5 ROA_{i,t} + \beta_6 LIQUIDITY_{i,t} + \beta_7 AGE_{i,t} + \beta_8 RISK_{i,t} + \beta_9 GROWTH_{i,t} + \beta_{10} HHI_{i,t} + \beta_{11} GOVOEN_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

بر اساس مدل های فوق متغیر وابسته عملکرد بازار است که از طریق شاخص کیوتوین محاسبه می گردد. شاخص کیوتوین که از تقسیم ارزش بازار سهام بعلاوه ارزش دفتری بدهی به ارزش کل دارایی محاسبه می شود (فریرا و ماتوس^۱، ۲۰۰۸). مزیت تمرکز بر یک معیار مبتنی بر بازار از قبیل کیوتوین، این است که تغییرات در قیمت سهم (که یکی از شاخص های کلیدی برای کیوتوین است) واکنش سرمایه گذاران را نشان می دهد (کاهن^۲ و همکاران، ۲۰۱۶).

FI نیز متغیر مستقل و شاخص افشای فراگیر مالی است که از طریق درصد افشا شده از سوی بانک تعیین می شود و طبق پژوهش باس و همکاران (۲۰۱۱) شامل ۱۳ ایتِم به شرح زیر است:

جدول ۱ ارقام افشای فراگیر مالی بانکها (منبع: باس و همکاران، ۲۰۱۷)

۱	برنامه هایی که از شرکت های کوچک و متوسط (SME) حمایت می کنند با تمرکز ویژه ای در همکاری با مؤسسات اعتباری کوچک (MCI) و ایده های تجاری که برای حل یک مشکل اجتماعی تلاش می کنند.
۲	سازمان هایی که از برنامه های ذکر شده در بند ۱ پشتیبانی می کنند و به آنها امکانات منحصر به فردی نظیر وام بدون وثیقه و نرخ بهره پایین ارائه می دهد.
۳	برنامه های مالی برای راه اندازی کارخانه های پردازش زیست (به عنوان مثال، کارخانه بیوگاز).
۴	برنامه های مالی برای نصب پنل های خورشیدی در خانوارهای روستایی.
۵	برنامه های مالی برای تاسیسات بازیافت ضایعات در مناطق فقیر شهری.
۶	برنامه های تامین مالی برای تاسیسات تصفیه پساب (ETPs) در موسسات تولیدی.
۷	برنامه های تامین مالی برای حمایت از فعالیت های کشاورزی (به عنوان مثال، محصولات زراعی، دانه های روغنی، ادویه جات، سبزیجات، میوه ها و غیره).
۸	برنامه های تامین مالی برای حمایت از فعالیت های کشاورزی (به عنوان مثال تولید شیر، یا تولید ماهی یا گاو) با تمرکز ویژه بر فعالیت های تولید مشترک (به عنوان مثال، کشاورزی با برنج از انواع آب های عمیق).
۹	برنامه های مالی برای حمایت از کسب و کار صنایع دستی صنایع دستی، و موسیقی محلی و فعالیت های هنری که با توجه به تولید درآمد و اشتغال برای گروه های جمعیتی انجام می شود.

1 Ferreira And Matos

2 Cahan et al

۱۰	امکانات اضافی بانکی به گروه‌های هدف فراگیر مالی (به عنوان مثال، حساب بانکی کم هزینه یا رایگان، بانکی مدرسه، کاهش سپرده اولیه و / یا شرایط نگهداری سپرده‌های کم هزینه) ارائه شده است.
۱۱	کمپین معرفی برنامه فراگیر مالی بانک. معرفی طرح‌های مختلفی که از طریق آنها قرضه‌های کوچک به گروه‌های هدف هدایت می‌شود.
۱۲	ادغام جمعیت روستایی در فعالیت‌های بانکی تلفن همراه با ارائه هرگونه امکانات اضافی برای تشویق آنها به استفاده از این امکانات (مثلاً برنامه آموزشی برای نحوه استفاده از بانکداری تلفن همراه و غیره).
۱۳	برنامه‌های ویژه‌ای برای کمک به خانواده‌های دور افتاده روستایی

• متغیرهای تعدیلی نیز شامل رقابت بازار و مالکیت دولتی است که برای محاسبه رقابت بانک از شاخص هرفیندال - هیرشمن (HHI) استفاده شده است و همچنین مالکیت دولتی (GOVOWN) در بانک از طریق متغیر مجازی و بدین صورت که اگر بانک ابتدا دولتی و سپس خصوصی شده باشد عدد ۱ در غیر این صورت صفر می‌گردد.

نهایتاً متغیرهای کنترلی پژوهش به شرح ذیل هستند:

- SIZE اندازه بانک می‌باشد که لگاریتم طبیعی دارایی‌ها محاسبه می‌شود.
- LEV اهرم مالی از تقسیم کل بدهی به کل دارایی‌ها محاسبه می‌شود.
- ROA بازده دارایی‌ها که از تقسیم سود عملیاتی به کل دارایی‌ها محاسبه می‌شود.
- LIQUIDITY نقدشوندگی بانک که از طریق تقسیم حجم معاملات به کل سهام منتشره محاسبه می‌شود.
- FAGE سن بانک؛ به مدت زمان ورود بانک‌ها به بورس به عنوان سن بانک در نظر گرفته شده است.
- GROWTH رشد فروش بانک که از تغییرات فروش بانک به فروش سال قبل محاسبه می‌شود.
- RISK ریسک بانک که از طریق ضریب بتا محاسبه می‌شود.

روش‌شناسی پژوهش

روش پژوهش حاضر توصیفی-همبستگی و از نظر هدف، کاربردی است. جامعه آماری پژوهش حاضر بانک‌های موجود در بازار سرمایه کشور است که تعداد ۱۵ بانک به عنوان نمونه آماری از طریق روش حذف سیستماتیک (یعنی اطلاعات مالی آن در دوره پژوهش در دسترس بوده باشد) انتخاب شدند. روش گردآوری داده‌ها از نوع میدانی و ابزار گردآوری داده‌های

پژوهش، بانک های اطلاعاتی بورس اوراق بهادار و بانک های مربوطه خواهد بود. به منظور جمع آوری داده های مورد نیاز جهت محاسبه متغیرها از بانک های اطلاعاتی «ره آورد نوین» استفاده شده است. همچنین جهت تحلیل داده ها از آماره های توصیفی و تحلیل رگرسیون OLS استفاده شده است.

یافته ها

آمار توصیفی

جدول (۱)، آماره های توصیفی متغیرهای پژوهش را نشان می دهد. آمار توصیفی متغیرهای پژوهش با استفاده از داده های بانک ها طی دوره زمانی مورد نظر اندازه گیری شده اند و شامل میانگین، میانه، انحراف معیار، کمینه و بیشینه است. در روش های توصیفی تلاش بر آن است تا با ارائه جدول و استفاده از ابزارهای آن نظیر شاخص های مرکزی و پراکندگی، به توصیف داده های پژوهش پرداخته شود، تا این امر به شفافیت موضوع کمک کند. آمار توصیفی متغیرهای پژوهش برای ۱۳۵ مشاهده سال - شرکت در جدول (۲) آمده است.

جدول ۲ آمار توصیفی متغیرهای پژوهش در بانک های نمونه

متغیر	علامت	میانگین	میانه	بیشترین	کمترین	انحراف معیار
عملکرد بانک	TOBINQ	۱,۰۲	۱,۰۱	۱,۱۷	۰,۹۰	۰,۰۵
افشای فراگیر مالی	FI	۰,۳۶	۰,۳۸	۰,۶۲	۰,۲۳	۰,۱۸
اندازه بانک	SIZE	۸,۴۹	۸,۴۵	۹,۳۵	۷,۱۴	۰,۴۸
سن بانک	FAGE	۱۱,۵۵	۱۱	۱۹	۶	۳,۹۳
اهرم مالی	LEV	۰,۹۴	۰,۹۴	۱,۶۲	۰,۶۷	۰,۱۰
بازده دارایی ها	ROA	۰,۰۰۲	۰,۰۱	۰,۰۴	-۰,۳۲	۰,۰۵
نقدشوندگی	LIQUIDITY	۱۰,۴۹	۹,۳۰	۲۶,۲	۲,۳۸	۵,۱۴
رشد فروش بانک	GROWTH	۰,۱۱	۰,۰۱	۴,۹۳	-۶,۹۰	۱,۵۰
ریسک بانک	RISK	۰,۸۸	۰,۸۴	۶,۳۶	-۱,۲۴	۱,۰۴
رقابت بانک	HHI	۰,۱۷	۰,۰۲	۲,۹۹	۰,۰۱	۰,۴۱
مالکیت دولتی	GOVOWN	۰,۲۱	۰	۱	۰	۰,۴۱

ماخذ: یافته های پژوهش

با توجه به آماره توصیفی، می‌توان شاخص‌های فوق را به شاخص‌های مرکزی و پراکندگی و سایر شاخص‌ها تقسیم نمود، که شاخص‌های مرکزی عبارت از شاخص میانگین و میانه، شاخص‌های پراکندگی عبارت از شاخص انحراف معیار و سایر شاخص‌ها عبارت از شاخص حداقل، حداکثر می‌باشد. مثلاً شاخص عملکرد برابر با ۱/۰۲ بوده که بیانگر این است بانک‌ها در فضای رقابتی قرار دارند و از اینرو نسبت کیوتوبین به سمت ۱ گرایش یافته است و همچنین میانگین افشای فراگیر مالی ۰/۳۶ بوده که نشان‌دهنده آن است که افشای فراگیر مالی در بانک‌ها در سطح پایینی قرار دارد.

نتایج تحلیل رگرسیون

در این پژوهش از طریق تحلیل رگرسیون چندگانه جهت بررسی فرضیات به تفکیک هر مدل انجام شده است. نتایج آزمون فرضیات اول تا سوم در جدول ۳ آورده شده است.

جدول ۳ نتایج مدل‌های پژوهش با متغیر وابسته کیوتوبین

مدل (۳)	مدل (۲)	مدل (۱)	متغیرها	
۱/۴۳ (۰/۰۰)	۱/۴ (۰/۰۰)	۱/۴ (۰/۰۰)	عرض از مبدا	c
۰/۰۰۴ (۰/۰۲)	۰/۰۲ (۰/۰۲)	۰/۰۲ (۰/۰۳)	افشای فراگیر مالی	$FII_{i,t}$
-	۰/۳۱ (۰/۰۱)	-	افشای فراگیر مالی × رقابت بانک	$FII \times HHI_{i,t}$
۰/۰۳ (۰/۷۱)	-	-	افشای فراگیر مالی × مالکیت دولتی	$FII \times GOVOEN_{i,t}$
-۰/۰۲ (۰/۴۴)	-۰/۰۲ (۰/۳۸)	-۰/۰۲ (۰/۴۲)	اندازه بانک	$Size_{i,t}$
-۰/۰۸ (۰/۵۷)	-۰/۱۰ (۰/۵۰)	-۰/۰۸ (۰/۵۹)	اهرم مالی	$LEV_{i,t}$
-۰/۵۵ (۰/۱۰)	-۰/۵۸ (۰/۰۷)	-۰/۵۵ (۰/۱۰)	بازده دارایی	$ROA_{i,t}$
۰/۰۰۱ (۰/۰۲)	۰/۰۰۱ (۰/۰۲)	۰/۰۰۱ (۰/۰۲)	نقدشوندگی	$LIQUIDITY_{i,t}$
-۰/۰۱ (۰/۰۰)	-۰/۰۱ (۰/۰۰)	-۰/۰۱ (۰/۰۰۰۱)	سن شرکت (بانک)	$FAGE_{i,t}$
-۰/۰۰۱ (۰/۲۹)	-۰/۰۰۱ (۰/۲۵)	-۰/۰۰۱ (۰/۲۷)	ریسک	$RISK_{i,t}$
۰/۰۰۹ (۰/۰۰)	۰/۰۰۹ (۰/۰۰۵)	۰/۰۰۹ (۰/۰۰۰)	رشد	$GROWTH_{i,t}$

متغیرها		مدل (۱)	مدل (۲)	مدل (۳)
$HHI_{i,t}$	رقابت بانک	۰٫۰۰۳ (۰٫۱۱)	-۰٫۰۱ (۰٫۸۶)	۰٫۰۰۳ (۰٫۰۶)
$GOVOEN_{i,t}$	مالکیت دولتی	-۰٫۰۲ (۰٫۲۴)	۰٫۰۲ (۰٫۳۰)	-۰٫۰۱ (۰٫۲۳)
ضریب تعیین تعدیل شده		۰٫۶۹	۰٫۷۰	۰٫۶۸
F		۷٫۸۷ (۰٫۰۰)	۷٫۸ (۰٫۰۰)	۷٫۴ (۰٫۰۰)
ماخذ: یافته‌های پژوهش. اعداد داخل پرانتز سطر معناداری رو نشان می‌دهد.				

نتایج تحلیل رگرسیون برای مدل‌های ۱ الی ۳ در جدول ۲ بیانگر اثر نهایی تغییر یک واحد متغیر توضیحی مورد نظر بر عملکرد بانک (کیوتوین) است. نتایج بدست آمده از مدل (۱) نشان می‌دهد که بین افزایش فراگیر مالی با متغیر وابسته عملکرد بانک در سطح اطمینان ۹۵ درصد رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. همچنین از بین متغیرهای کنترلی، متغیرهای نقدشوندگی و رشد با عملکرد بانک رابطه مثبت و معناداری (۰٫۰۰۱ و ۰٫۰۰۹) دارند. متغیر سن بانک با عملکرد بانک رابطه منفی و معنادار (۰٫۰۱-) از خود نشان داده است. سایر متغیرها معنادار نبودند.

نتایج بدست آمده از مدل (۲) نیز نشان می‌دهد که متغیر رقابت بازار رابطه بین افزایش فراگیر مالی و عملکرد بانک را در سطح اطمینان ۹۵ درصد تعدیل می‌کند. همچنین از بین متغیرهای کنترلی، متغیرهای نقدشوندگی و رشد با عملکرد بانک رابطه مثبت و معناداری (۰٫۰۰۱ و ۰٫۰۰۹) دارند و متغیرهای سن بانک و سودآوری با عملکرد بانک به ترتیب در فاصله اطمینان ۹۹ درصد و ۹۰ درصد رابطه منفی و معناداری از خود نشان داده است.

نهایتاً نتایج بدست آمده از مدل (۳) نیز نشان می‌دهد که متغیر مالکیت دولتی رابطه بین افزایش فراگیر مالی و عملکرد بانک را تعدیل نمی‌کند و لذا فرضیه سوم پذیرفته نمی‌شود. همچنین از بین متغیرهای کنترلی، متغیرهای نقدشوندگی و رشد با عملکرد بانک رابطه مثبت و معناداری دارند و متغیرهای سن بانک و سودآوری با عملکرد بانک به ترتیب در فاصله اطمینان ۹۹ درصد و ۹۰ درصد رابطه منفی و معناداری از خود نشان داده است.

تجزیه و تحلیل اضافی

این بخش شواهدی را ارائه می‌کند که احتمالاً بانک‌ها ممکن است از طریق سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های فراگیر مالی برخوردار شوند. به طور خاص، بر دو مورد یعنی افزایش سهم بازار و کاهش عدم‌تقارن اطلاعاتی تمرکز می‌کنیم زیرا هر دو ویژگی به افزایش عملکرد شرکت بانکی کمک می‌کنند.

افشای فراگیر مالی، سهم بازار و عدم‌تقارن اطلاعاتی

در بازار، شرکت‌ها تلاش می‌کنند تا حتی درصد کمی از سهم بازار خود را افزایش دهند. مدیران با توجه به اینکه سوابق اجتماعی شرکت آنها سهم بازار را افزایش می‌دهد، به احتمال زیاد تشویق به سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های اجتماعی می‌شوند (اوون و شرر^۱، ۱۹۹۳) که در نتیجه به افزایش عملکرد کمک می‌کند. مطالعات قبلی نشان می‌دهد که مشتریان هنگام تصمیم‌گیری برای خرید، فعالیت‌های اجتماعی شرکت را در نظر می‌گیرند (لو و باتاچاریا^۲، ۲۰۰۶؛ سرویس و تامایو^۳، ۲۰۱۳). برای بررسی اینکه آیا فعالیت‌های فراگیر مالی بانک‌ها باعث افزایش سهم بازار می‌شود یا خیر از مدل زیر استفاده شده است:

مدل چهارم:

$$MKTSHARE_{i,t+1} = \beta_0 + \beta_1 FII_{i,t} + \beta_2 SIZE_{i,t} + \beta_3 LEV_{i,t} + \beta_4 ROA_{i,t} + \beta_5 LIQUIDITY_{i,t} + \beta_6 AGE + \beta_7 RISK_{i,t} + \beta_8 GROWTH_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

که در آن $MKTSHARE$ سهم بازار شرکت‌های بانکی است که بر اساس درآمد کل محاسبه می‌شود. تمامی متغیرهای دیگر در بخش قبلی توضیح داده شده است. از آنجایی که افشای داوطلبانه، عدم‌تقارن اطلاعاتی بین سرمایه‌گذاران آگاه و ناآگاه را کاهش می‌دهد (بوشمن و اسمیت^۴، ۲۰۰۱). در یک محیط افشای داوطلبانه، شرکت‌ها در

1 Owen and Scherer
2 Luo and Bhattacharya
3 Servaes and Tamayo
4 Bushman and Smith

انتخاب مواردی که بر اساس نیازهای خود افشا کنند اختیار دارند. با این حال، تنظیم کننده ها شکاف اطلاعاتی بین سرمایه گذاران آگاه و ناآگاه را از طریق ایجاد الزامات افشا کاهش می دهند (هیلی و پالپو، ۲۰۰۱). انتظار می رود افزایش افشا کاهش شکاف اطلاعاتی را برای سرمایه گذاران ناآگاه نسبت به سرمایه گذاران آگاه تر تسهیل کند (باس و همکاران، ۲۰۱۷). از اینرو برای بررسی اینکه آیا فعالیت های فراگیر مالی بانک ها باعث کاهش عدم تقارن اطلاعاتی می شود یا خیر از مدل زیر استفاده شده است:

مدل پنجم:

$$SPREAD_{i,t+1} = \beta_0 + \beta_1 FII_{i,t} + \beta_2 SIZE_{i,t} + \beta_3 ROA_{i,t} + \beta_4 LIQUIDITY_{i,t} + \beta_5 LNPRICE_{i,t} + \beta_6 PROA + \varepsilon_{i,t}$$

$SPREAD_{i,t}$ شکاف قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام برای سنجش عدم تقارن اطلاعاتی است و $LNPRICE$ لگاریتم طبیعی قیمت سهام بانک در ابتدای سال مالی است. همچنین ROA و $PROA$ برای کنترل اثرات سودآوری بر عدم تقارن اطلاعاتی استفاده شده است که $PROA$ میانگین سود سه سال قبل تقسیم بر میانگین کل دارایی های سه سال قبل است. نتایج بدست آمده از مدل های چهارم و پنجم به شرح جدول ۴ آمده است:

جدول ۴ نتایج مدل ها با متغیرهای وابسته سهم بازار و عدم تقارن اطلاعاتی

مدل (۵)	مدل (۴)	متغیرها	
-۰,۸۴ (۰,۰۰)	۰,۰۲ (۰,۸)	عرض از مبدا	c
-۰,۰۱ (۰,۰۵)	۰,۰۲ (۰,۰۳)	افشای فراگیر مالی	$FII_{i,t}$
۰,۰۱ (۰,۰۰۲)	۰,۰۱ (۰,۸۱)	اندازه بانک	$Size_{i,t}$
-	-۰,۰۵ (۰,۴۶)	اهرم مالی	$LEV_{i,t}$
۰,۰۶ (۰,۰۷)	۰,۴۱ (۰,۰۲)	بازده دارایی	$ROA_{i,t}$
۰,۰۰۱ (۰,۶۹)	۰,۰۰۳ (۰,۰۷)	نقدشوندگی	$AGE_{i,t}$
-۰,۰۳ (۰,۸۶)	۰-۰,۰۱ (۰,۰۰۳)	سن شرکت (بانک)	$LIQUIDITY_{i,t}$
-	۰,۰۰۳ (۰,۰۴)	ریسک	$RISK_{i,t}$

I Healy and Palepu

مدل (۵)	مدل (۴)	متغیرها	
-	۰,۰۰۱ (۰,۰۵)	رشد	$GROWTH_{i,t}$
-۰,۰۰۰۰۴ (۰,۷۶)	-	لگاریتم طبیعی قیمت سهام بانک	$LNPRICE_{i,t}$
۰,۰۰۲ (۰,۴۱)	-	میانگین سود سه سال قبل تقسیم بر میانگین کل دارایی‌های سه سال	$PROA_{i,t}$
۰,۳۶	۰,۶۳	ضریب تعیین تعدیل شده	
۳۳,۴ (۰,۰۰)	۱۵,۵ (۰,۰۰)	F	

نتایج بدست آمده از مدل چهارم و پنجم بیانگر آن است که در سطح اطمینان ۹۵ درصد افشای فراگیر مالی بانک‌ها باعث افزایش سهم بازار بانک‌ها می‌شود و همچنین منجر به کاهش عدم‌تقارن اطلاعاتی می‌گردد. یعنی می‌توان ادعا نمود که افشای فراگیر مالی سهم بازار شرکت را از طریق جذب مشتریان افزایش می‌دهد و در نتیجه به عملکرد بهتر منجر می‌شود و همچنین به نظر می‌رسد با فشار تنظیم‌کننده‌ها، از نظر الزامات افشای اضافی، عدم‌تقارن اطلاعاتی در بازار را کاهش می‌یابد.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

امروزه طرح فراگیر مالی در بانکداری بیش از قبل مورد توجه مدیران بانکی قرار گرفته است و در سیستم بانکداری ایران بسیاری از شاخص‌های مهم اقتصادی وضع مناسبی ندارد؛ این موضوع ضرورت بالای توسعه فراگیر مالی در ایران را نشان می‌دهد^۱، به طوری که طبق اطلاعات موجود در آمار توصیفی این پژوهش متوسط افشای فراگیر مالی در بانک‌ها ۰,۳۶ بوده است. با این رویکرد پژوهش حاضر بر رابطه بین افشای فراگیر مالی و عملکرد بانک‌ها با تأکید بر نقش تعدیلی رقابت بازار و ساختار مالکیت گام برداشته است. نتایج بدست آمده بیانگر آن است که افشای فعالیت‌های فراگیر مالی به طور مثبت و معناداری با عملکرد بانک‌ها رابطه دارد و این رابطه از طریق رقابت بازار تعدیل می‌شود. همچنین نتایج بدست آمده از تحلیل‌های اضافی نشان می‌دهد که مشارکت بانک‌ها در فراگیر مالی، سهم بازاری بانک‌ها را افزایش و عدم‌تقارن اطلاعاتی را نیز کاهش داده است. تحلیل نتایج فوق بیانگر آن است که افشای فراگیر مالی در گزارش‌های مالی بانکداری ایران

1 <https://techrasa.com>

برای سرمایه‌گذاران و سایر استفاده‌کنندگان مهم قلمداد شود و توانسته بر رفتار آنها در تصمیمات سرمایه‌گذاری اثر گذارد و در نتیجه از طریق تغییرات ارزش بازار سهم بر عملکرد بازار بانک‌ها تأثیر مثبتی داشته باشد. به عبارتی بهتر افشا فراگیر مالی بر تصمیمات سرمایه‌گذاری در سهام بانک‌ها دارای اهمیت و ارزش بوده و مورد توجه سرمایه‌گذاران قرار گرفته شده است و می‌توان ادعا کرد که سهامداران در کنار اطلاعات مالی، بر افشای اطلاعات غیرمالی برگرفته از فراگیر مالی جهت سرمایه‌گذاری تمرکز می‌نمایند، لذا نوع اطلاعات غیرمالی افشا شده از سوی بانک‌ها دارای محتوای اطلاعاتی فزاینده‌ای در ارتباط با ارزش بازار سهام بوده و از این‌رو بر عملکرد بانک‌ها تأثیر داشته است.

همچنین از آنجایی که خدمات ارائه شده از سوی بانک‌های داخلی مشابه و یکسان است از این‌رو منجر به رقابت تنگاتنگ بین آنها گردیده است به طوری که به عنوان سازوکاری می‌تواند با افشای فراگیر مالی بر عملکرد بانک‌ها تأثیر گذارد و این بیانگر آن است که اگر بانک‌ها برای افزایش ارزش بازار خود به تمامی گزینه‌ها (افشا اطلاعات غیرمالی) که تاکنون در ارتباط با عملکردشان توجه چندانی به آن نشده است گرایش یابند می‌توانند از طریق رقابت منجر به تعدیل اثر مثبت رابطه افشای فراگیر مالی بر عملکرد شوند. از طرفی با توجه به اینکه از حاکمیت مالکیت و مدیریت دولتی بر نظام بانکی کشور شاید بزرگترین مشکل بانکداری است، اما نقش این نوع حاکمیت می‌تواند در اجرای فراگیر مالی موثر باشد. در حالی که نتایج نشان می‌دهد بانک‌های با سطح بالاتری از مالکیت دولتی به جهت اقدام کمتر آنها در افشای اطلاعات غیرمالی نمی‌توانند اثر مثبتی بر رابطه بین فراگیر مالی و عملکرد داشته باشند.

نهایتاً نتایج بدست آمده از این پژوهش با یافته‌های پژوهش ستایش و همکاران (۱۳۹۳) و باس و همکاران (۲۰۱۷) همسو است و به شرح زیر پیشنهادهای مدیریتی ارائه می‌دهد:

- بانک‌ها سطح افشای فراگیر مالی را مشابه افشای اطلاعات مالی خود افزایش دهند تا از این طریق نظر سرمایه‌گذاران را به خود جلب تا از طریق ایجاد فضای رقابتی در بازار سهام منجر به افزایش عملکرد آنها گردند.
- مدیران بانک‌های بورسی در صورت افشای فراگیر مالی به کیفیت و شفافیت آن نیز توجه نمایند.

- مدیران بانک‌ها در فضای رقابتی جهت پیشی از رقبای خود با توجه عملکرد بهتر به افشا اطلاعات غیرمالی بپردازند و این امر با در نظر گرفتن سند اجرای طرح فراگیر مالی بپردازند.
- پژوهش حاضر به دور از محدودیت نبوده و مهمترین محدودیت این بوده که برای دستیابی به داده‌های فراگیر مالی از طریق بررسی محتوای صورت‌های مالی ممکن است برخی امتیازهای فراگیر مالی از چشم نویسندگان به دور مانده باشد. نهایتاً اینکه برای پژوهش‌های آتی پیشنهاد می‌شود که این پژوهش را در بین شرکت‌های بیمه مورد آزمون قرار دهند.

فهرست منابع

- Akhter, W., Majeed, M. U., & Roubaud, D. (2019). Islamic Banking and Financial Inclusion: Evidence from Asian and African Markets. *Journal of Islamic Business and Management*, 9(2), 341-354. (in persion).
- Barr, M. S., Kumar, A., & Litan, R. E. (Eds.). (2007). *Building inclusive financial systems: A framework for financial access*. Brookings Institution Press.
- Bongomin, G. O. C., Munene, J. C., Ntayi, J. M., & Malinga, C. A. (2018). Financial intermediation and financial inclusion of the poor: Testing the moderating role of institutional pillars in rural Uganda. *International Journal of Ethics and Systems*, 34(2), 146-165. doi.org/10.1108/IJOES-07-2017-0101
- Bose, S., Saha, A., Khan, H. Z., & Islam, S. (2017). Non-financial disclosure and market-based firm performance: The initiation of financial inclusion. *Journal of Contemporary Accounting & Economics*, 13(3), 263-281. doi.org/10.1016/j.jcae.2017.09.006
- Brekke, T. (2018). Halal Money: Financial inclusion and demand for Islamic banking in Norway. *Research & Politics*, 5(1), 1-7. doi.org/10.1177/2053168018757
- Bushman, R. M., & Smith, A. J. (2001). Financial accounting information and corporate governance. *Journal of accounting and Economics*, 32(1-3), 237-333. doi.org/10.1016/S0165-4101(01)00027-1
- Cahan, S. F., De Villiers, C., Jeter, D. C., Naiker, V., & Van Staden, C. J. (2016). Are CSR disclosures value relevant? Cross-country evidence. *European accounting review*, 25(3), 579-611. doi.org/10.1080/09638180.2015.1064009
- Carroll, A. B., & Shabana, K. M. (2010). The business case for corporate social responsibility: A review of concepts, research and practice. *International journal of management reviews*, 12(1), 85-105. doi.org/10.1111/j.1468-2370.2009.00275.x
- Chen, Q., & Vashishtha, R. (2017). The effects of bank mergers on corporate information disclosure. *Journal of Accounting and Economics*, 64(1), 56-77. doi.org/10.1016/j.jacceco.2017.05.003
- Choi, J. S., Kwak, Y. M., & Choe, C. (2010). Corporate social responsibility and corporate financial performance: Evidence from Korea. *Australian journal of management*, 35(3), 291-311. doi.org/10.1177/0312896210384681
- Choi, J., & Wang, H. (2009). Stakeholder relations and the persistence of corporate financial performance. *Strategic management journal*, 30(8), 895-907.
- Eccles, R. G., & Serafeim, G. (2013). Sustainability in financial services is not about being green. *Harvard Business Review*, 15.
- European Commission. (2008). *Financial services provision and prevention of financial exclusion*. <http://www.bristol.ac.uk/medialibrary/sites/geography/migrated/documents/pfrc0807.pdf>> (accessed 20.03.2017).
- Ferreira, M.A., Matos, P. (2008). The colors of investors' money: the role of institutional investors around the world. *J. Financ. Econ.* 88, 499-533. doi.org/10.1016/j.jfineco.2007.07.003

- Freeman, R. E. (2010). Strategic management: A stakeholder approach. Cambridge university press.
- Fu, Z., Ren, K., Shu, J., Sun, X., & Huang, F. (2016). Enabling personalized search over encrypted outsourced data with efficiency improvement. **IEEE transactions on parallel and distributed systems**, *27*(9), 2546-2559. doi: 10.1109/TPDS.2015.2506573
- Healy, P. M., & Palepu, K. G. (2001). Information asymmetry, corporate disclosure, and the capital markets: A review of the empirical disclosure literature. **Journal of accounting and economics**, *31*(1-3), 405-440. doi.org/10.1016/S0165-4101(01)00018-0
- Hill, C. W., & Jones, T. M. (1992). Stakeholder-agency theory. **Journal of management studies**, *29*(2), 131-154. https://doi.org/10.1111/j.1467-6486.1992.t00657.x
- Huang, X.B., Watson, L. (2015). Corporate social responsibility research in accounting. **J. Account. Lit.** *34*, 1-16. doi.org/10.1016/j.acclit.2015.03.001
- Kumar, C., & Mishra, S. (2011). Banking outreach and household level access: Analyzing financial inclusion in India. **In 13th Annual Conference on Money and Finance in the Indian Economy** (pp. 1-33).
- Leyshon, A., & Thrift, N. (1996). Financial Exclusion and the Shifting Boudaries of the Financial System. **Environment and Planning A: Economy and Space**, *28*(7), 1150-1156. doi.org/10.1068/a281150
- Luo, X., & Bhattacharya, C. B. (2006). Corporate social responsibility, customer satisfaction, and market value. **Journal of marketing**, *70*(4), 1-18. doi.org/10.1509/jmkg.70.4.001
- Menon, P. (2019). Financial inclusion, banking the unbanked: Concepts, issues, and policies for India. **Journal of Public Affairs**, *19*(2), e1911. doi.org/10.1002/pa.1911
- mirzaei, M., & Shiraziyan, Z. (2019). Investigation of financial inclusion and financial literacy's Role in Perceived Investment Value in Tehran Stock Exchange. **Financial Knowledge of Securities Analysis**, *12*(41), 125-142. (in persian).
- Ngo, A. L. (2019). Index of Financial Inclusion and The Determinants: an Investigation in Asia. **Asian Economic and Financial Review**, *9*(12), 1368- 1382.
- Owen, C.L., Scherer, R.F. (1993). Social responsibility and market share. *Rev. Bus.* *15*, 11-16.
- Ozili, K. (2018). Impact of digital finance on financial inclusion and stability. **Journal of Borsa Istanbul Review**, *18*(4), 329e340. doi.org/ 10.1016/j.bir.2017.12.003
- ozlati, F., noori fard, Y., Emam verdi, G., Darabi, R., & Hajiha, Z. (2021). Voluntary Disclosure of Non-financial Information, Audit Quality and Their Effects; With Emphasis on Matching Signaling Theory and Legitimacy Theory. **Journal of Management Accounting and Auditing Knowledge**, *10*(38), 67-86. (in persian).
- Porter, M. E., & Kramer, M. R. (2006). The link between competitive advantage and corporate social responsibility. **Harvard business review**, *84*(12), 78-92.
- Porter, M.E., Kramer, M.R. (2011). Creating shared value: interaction. **Harvard Bus. Rev.** *89*, 16-17.
- Raman, A. (2012). Financial inclusion and growth of Indian banking system. **IOSR Journal of Business and Management**, *1*(3), 25-29.
- Sahay, M. R., Cihak, M., N'Diaye, M. P., Barajas, M. A., Mitra, M. S., Kyobe, M. A., ... & Yousefi, M. R. (2015). **Financial inclusion: can it meet multiple macroeconomic goals?**. International Monetary Fund.
- Samoui, A., Hassanvand, D., Khochiani, R., Zahid Gharavi, M. (2019). Comprehensive financial modeling and its threshold effects on the economic growth of OPEC member

- countries (threshold panel regression). *Applied Economics*, 10(32 & 33), 65-78. doi:10.1080/09500804.2010.511111
- Saraswati, B. D., Maski, G., Kaluge, D., & Sakti, R. K. (2020). The effect of financial inclusion and financial technology on effectiveness of the Indonesian monetary policy. *Business: Theory and Practice*, 21(1), 230-243.
- Sarma, M., & Pais, J. (2011). Financial inclusion and development. *Journal of international development*, 23(5), 613-628. doi.org/10.1002/jid.1698
- Servaes, H., & Tamayo, A. (2013). The impact of corporate social responsibility on firm value: The role of customer awareness. *Management science*, 59(5), 1045-1061. doi.org/10.1287/mnsc.1120.1630
- Setayesh, M. H., Roosta, M., & Alizadeh, V. (2014). The Relation Between Voluntary Disclosure and Performance of Firms Listed in Tehran Stock Exchange. *Empirical Research in Accounting*, 4(3), 153-168. doi: 10.22051/jera.2015.1888 (in persian).
- Sofilda, E., Hamzah, M. Z., & Ginting, A. M. (2022). Analysis of determining the financial inclusion index of composite, conventional and sharia banking in Indonesia. *Banks and Bank Systems*, 17(1), 38. dx.doi.org/10.21511/bbs.17(1).2022.04
- Sun, L., & Stuebs, M. (2013). Corporate social responsibility and firm productivity: Evidence from the chemical industry in the United States. *Journal of business ethics*, 118, 251-263.
- Taheri, M., Rahmani, A., & Soleimani, G. (2019). Value relevance of risk disclosure in Iranian listed banks. *Financial Accounting Research*, 11(1), 1-22. doi: 10.22108/far.2019.110363.1242 (in persian).
- Wang, H., & Qian, C. (2011). Corporate philanthropy and corporate financial performance: The roles of stakeholder response and political access. *Academy of Management journal*, 54(6), 1159-1181. doi.org/10.5465/amj.2009.0548
- Widarwati, E., Solihin, A., & Nurmalsari, N. (2022). Digital Finance for Improving Financial Inclusion Indonesians' Banking. Signifikan: *Jurnal Ilmu Ekonomi*, 11(1), 17-30. doi.org/10.15408/sjie.v11i1.17884.
- World Bank. (2014). Financial Inclusion: Global Financial Development Report. http://siteresources.worldbank.org/EXTGLOBALFINREPORT/Resources/88160961361888425203/9062080-1364927957721/GFDR-2014_Complete_Report.pdf (accessed 12.03.2017).
- Zamer, K. Z. (2018). Islamic banking: A new approach for financial inclusion. *International Journal of Economics and Finance*, 10(7), 118-124. doi:10.5539/ijef.v10n7p118